



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۹/۰۹

ترجمه: گوٹ جانباڙ

آيا سياست خارجي کشور های مقتدر پس از فرو پاشی شوروی غير نظامی گرديد؟

<https://t.me/JANVITTAG/2435>

مارشال اتحاد شوروی سیرگئی آخره منیف افکار تاریخی خویش را در یک برنامه تلویزیونی با گروه از خبرنگاران و کارشناسان در مورد آنکه چگونه قدرت های بزرگ [اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا]، بلوک های نظامی ناتو و "پیمان وارسا" در دهه ۸۰ میلادی قرن گذشته عمل می نمودند (یا باید عمل می کردند) بیان می دارد، تا:

- سیاست غیرنظامی گردد
- سیاست دیموکراتیک گردد، و بالاخره
- ایدئولوژی زدایی سیاست گردد

*

سیرگئی آخره منیف تا دسمبر ۱۹۸۸ لوی درستیز قوای مسلح اتحاد شوروی بود. سپس از سال ۱۹۸۹ الی ۱۹۹۰ به حیث مشاور نظامی گرباچیف (نخست به عنوان رئیس شورای عالی اتحاد شوروی و سپس رئیس جمهور اتحاد شوروی) ایفای وظیفه نمود.

قبل از آن، آخره منیف اندکی بیشتر از ۴ سال - از سپتمبر ۱۹۸۴ تا دسمبر ۱۹۸۸ - لوی درستیز قوای مسلح اتحاد شوروی بود.

خبرنگار:

تا جائیکه من آگاهی دارم، شما توجه خاص تانرا به مسایل مربوط به خطر های نظامی مبذول می دارید، پس بگوئید که خطر ها برای کشور [اتحاد شوروی] چقدر عینی است؟ آیا خطری وجود دارد؟

مارشال آخره منیف: بلی، به نظر من خطر نظامی باقی مانده است. عامل این خطر در چیست؟ عامل اساسی آن سیاستی است که ایالات متحده امریکا و شرکای نزدیک آن در پیمان نظامی ناتو از قبیل برتانیه کبیر، فرانسه، آلمان فدرال در برابر اتحاد شوروی پیش می برد. این سیاست، اساساً سیاست زور است. رهبران این کشورها این موضوع را با وضوح تمام بیان می دارند. فقط همین چندی قبل، رئیس جمهور جورج بوش (پدر) خاطر نشان گفت "راز موفقیت ما را می توان در یک کلمه خلاصه نمود، و آن عبارت از زور [قدرت] است، پس بیایید قوه نظامی خود را حفظ نمایم، قوه ی که توانسته اوضاع را در کل دنیا تغییر دهد." من می توانم اظهارات متعدد مشابه را از قول وزیر دفاع و وزیر خارجه امریکا [جیمز بئیکر] نیز نقل قول نمایم. اینگونه اظهارات زیاد اند. لیکن، با این همه، هرگاه از سیاست در یک تصویر وسیع صحبت نمایم، همین سیاست مداران از تحولات بزرگ و مثبت یاد آوری می نمایند؛ اما وقتی حرف از اوضاع سیاسی- نظامی و مخصوصاً پالیسی نظامی مطرح می شود، دفعتاً و بلافاصله از عامل زور (قوه) یاد می شود. قابل یاد اور نیست که در عقب این گونه گفتار، کار، ار های پنهان اند. در حال حاضر قوای مسلح پیمان ناتو، هرگاه آنرا در کل در نظر بگیریم، یعنی همه ۱۵ کشور عضو این پیمان، تعداد مجموعی آن به ۶،۴ میلیون نفر می رسد. هرگاه این رقم را در اروپا مد نظر بگیریم، دیده می شود که ناتو قوای نیرومندی را که مقرب به ۳،۶ میلیون نفر است، مستقر ساخته است. این همه قوا برای کدام هدف در اروپا نگهداشته می شود؟

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بڼی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

افزون بر آن، ما باید در نظر بگیریم که از اتحاد شوروی مطالبات استرداد اراضی صورت میگیرد. به شما معلوم است که جاپان اینگونه مطالبات را پیش می کشد؛ رئیس جمهور امریکا در برابر این گونه مطالبات سر تأیید می جنباند و می گوید که اتحاد شوروی باید "اراضی" را به جاپان برگرداند. اینجا سوال به میان میاید: به کدام اساس؟ این مسأله در سال ۱۹۴۵ بر بنیاد نتایج جنگ دوم جهانی بر مبنای معاهده صلح سانفرانسیسکو میان امریکا و جاپان حل گردیده است. ایالات متحده امریکا احتمالاً تا اکنون جمهوریت های ماورای بحیره بالتیک ما را (استونیا، لاتویا، لیتوانیا) را به مثابه بخشی از اتحاد شوروی نمی داند.

خبرنگار : احتمالاً در حال حاضر کسی نخواهد این گونه مسایل را با استفاده از قوه نظامی حل نماید؟!!

مارشال آخره مؤتلف: با قوه نظامی نخیر، اما صرف در صورت که ما از نیروی متناسب برخوردار باشیم. در غیر آن، هرگاه ما فاقد نیروی کافی باشیم، علاقمندانی پیدا خواهند شد که این کار را به زور انجام دهند.

خبرنگار : در این صورت، اینکار به طور اجتناب ناپذیر منجر به وقوع جنگ اتمی خواهد شد؟!!

مارشال آخره مؤتلف : حتمی نیست که منجر به جنگ اتمی گردد. اوضاع می تواند طور دیگری پیش برود، انکشافات متفاوت باشد.

مذاکرات عملاً روی تمام انواع تسلیحات جریان دارد : تسلیحات ستراتیژیک اتمی، قوای نظامی مستقر در اروپا، امحای سلاح کیمیائی... می توانم این فهرست را ادامه دهم؛ لیکن ایالات متحده امریکا مذاکرات را در باره کاهش قوای ستراتیژیک بحری به صورت قطع رد می نماید. در حال حاضر، قوای بحری امریکا از نگاه ظرفیت جنگی به مراتب نیرومند تر از ماست. لیکن امریکا از گفتگو روی کاهش قوای بحری امتناع می ورزد. این ها همه عوامل بسیار جدی اند که ما را وامیدارد تا قوای مسلح خود را در سطح مطلوب نگهداریم. شما خود ببینید، ما به طور یک جانبه به کاهش تسلیحات پرداخته ایم؛ در حالی که ایالات متحده امریکا قطعاً از کاهش آن سرپیچی می نماید و اشاره می کند که ما [شوروی] گویا کدام برتری نظامی داریم. در واقعیت، این همان افسانه ای قدیمی است که طی دهه ها ادامه داشته است؛ در حالیکه هم اتحاد شوروی و هم پیمان نظامی وارسا فاقد این برتری است.

خبرنگار : پس چرا ما کاهش می دهیم؟ [تسلیحات را] در این صورت ما به ظرفیت دفاعی خویش آسیب می رسانیم؟!!

مارشال آخره مؤتلف : می ببینید، شما دفعتاً چه نتیجه گیری می نمائید؟! البته که ما تسلیحات را کاهش می دهیم، چون سطح تهدید نظامی کاهش یافته، و باید کسی این را کار اول شروع نماید، این یک امر عینی است. هرگاه ما دست به این اقدام نزنیم، در این صورت سبقت جوئی تسلیحاتی بی انتها ادامه پیدا می کند. بنابراین، ما ابتکار عمل را از خود نشان می دهیم، لیکن ما به وضعیت با هوشمندی نگریم و می گوئیم : بلی، کاهش رقم ۵۰۰ هزار نفر کار ممکن است، لیکن بیشتر از آن، به طور یک جانبه، امکان ندارد. بنابراین، کاهش تسلیحات باید از هر دو طرف، از هر دو پیمان نظامی (وارسا و ناتو) صورت بگیرد.

خبرنگار : من دیدگاه خودم را در این رابطه شریک می سازم. تا جائیکه من معلومات دارم، اتحاد شوروی در حال حاضر کدام دیدگاه محاسبه شده در باره آنکه منابع تهدید کدام است، اتفاق نظر ندارد. یکی از موضعگیری ها این است که منبع تهدید نظامی نیرو و وسایل معینی است که ایالات متحده امریکا و متحدان ناتوی آن در اختیار دارند. از آنجائیکه این نیرو وجود دارد، پس میرهن است که یک روز از این نیرو کار گرفته خواهد شد، شکی نیست که این آرزو نزد عده ای وجود دارد. تصادفی نیست که قوت های ستراتیژیک اتمی و دیگر ابزار و وسایل برای پیش برد جنگ افزایش میابند. لیکن یک نظریه دیگری نیز وجود دارد. به طور مثال، منازعه عجالتاً می تواند بدون آنکه از قبل پلان شده باشد، یعنی با ادبیات ساده بگویم : تصادفات رخ دهند.

مارشال آخره مؤتلف : اینکه شما می گوئید که علت وقوع جنگ جهانی می تواند کدام منازعه ناگهانی باشد، بلی، این را نمی توان به کلی منتفی دانست. تاریخ نیز گواه این گونه مثال ها بوده، و امروز نیز احتمال وقوع همچو حادثه وجود دارد؛ لیکن با این همه، اگر از جنگ نگوئیم، بلکه از سیاست حرف بزنیم، در چهار چوب سیاست از منافع دولت دفاع صورت می گیرد. شما تذکر دادید که در شرایط کنونی می توان نیرو نداشت، اما از منافع خویش دفاع نمود. در حال حاضر اصول سیاست خارجی ما را پیش برد یک سیاست بدون توسل به زور تشکیل می دهد، یعنی ما نه از موضع زور، بلکه با اتکا بر اصل مساوات ملل عمل می نمائیم.

در کل ما در حال حاضر، بر مبنای سه اصل عمل می کنیم:

- غیر نظامی ساختن سیاست
- دیموکراتیزه ساختن سیاست، و
- غیر ایدئولوژیک ساختن سیاست

ما بر مبنای همین سه اصل سیاست خود را تدوین می‌نمائیم، لیکن وقتی با ما از موضع زور بر خورد می‌نمایند، در این صورت ما باید بدون درنگ ابزاری در اختیار داشته باشیم تا جواب دهیم.

خبرنگار : تا جائیکه درک من اجازه می‌دهد، امریکائیا سیاست مهار را در قبال ما [اتحاد شوروی] پیش می‌برند، و ما نیز همین سیاست را در جهت آنها پیش می‌بریم، پس طوریکه دیده می‌شود، هر دو جانب از یک نوع سیاست زور در برابر یک دیگر کار می‌گیرند، و احتمالا تا زمانیکه اردو ها وجود داشته باشند، طور دیگر بوده نمی‌تواند.

مارشال آخره مؤتلف : طرز دید شما منطقی است، و من با آن اتفاق نظر دارم، لیکن، در این صورت باید دید که، کی از موضع غیر نظامی ساختن برمیاید.

خبرنگار : ما [اتحاد شوروی].

مارشال آخره مؤتلف : بلی! ما به طور یک جانبه تسلیحات را کاهش می‌دهیم، پیشنهادات مثبت را حین مذاکرات در کل در رابطه به عادی سازی اوضاع بین المللی ارائه می‌داریم. لیکن ما در اغلب موارد حرکت متقابل را از شرکای خویش مشاهده نمی‌نمائیم.

خبرنگار : هرگاه یک تاجر امریکائی در اروپا منافع خودش را دارد، در این صورت، به احتمال زیاد او علاقمند نخواهد بود تا در اراضی اروپا کدام جنگی در گیرد. تجارت امریکا، تجارت بزرگ، تجارت فراملیتی، تجارت انحصارگر در اروپا، به اصطلاح "اقتصاد دوم" را ایجاد نموده که از بعد وسعت خویش عملا مساوی به اقتصاد خود امریکاست. در صورت وقوع جنگ، تمام این دارائی ها از دست خواهد رفت.

من به سختی می‌توانم تصور نمایم که تجارت بزرگ که از قویترین لابی برخوردار بوده و دارای نیروی عظیم فشار بالای کانگرس امریکا می‌باشد، موقع دهد تا تصمیمی که برخلاف منافع آن باشد، اتخاذ گردد. من موضع غرب را در همین جهت می‌بینم. حالا بیائید از زاویه منافع اتحاد شوروی و شرکای ما در پیمان وارسا به قضیه بنگریم : تلاش ما برای نظامی سازی یا کوشش به خاطر عکس العمل متوازن در برابر اقدامات امریکا و ناتو ما را تا حد معین در برابر بن بست اقتصادی قرار داد. ما در مصارف نظامی مغزوق شدیم، ما هزینه های عظیم را برای حفظ قوای مسلح متقبل می‌شویم، و این بار سنگین برای اقتصاد ما قابل برداشت نیست. ۹ در صد درآمد ناخالص ملی، رقمی است که حتی یک کشور پیشرفته کپیتالستی آنرا به خود اجازه نمی‌دهد. این رقم برابر به هزینه های است که کشور های مانند قطر، عمان، عربستان سعودی و سایر کشور های که اقتصاد شان تا حد زیاد میلیتاریستی است به مصرف می‌رسانند؛ این در حالیکه ایالات متحده امریکا ۶ در صد، جاپان یک در صد و اکثر کشور های اروپای غربی ۳-۴ در صد درآمد ناخالص داخلی خود را در اقتصاد نظامی به مصرف می‌رسانند.

خبرنگار دیگر : لیکن، این کشور ها درآمد ناخالص ملی شان بلند است. و آنها بخاطر که توازن را حفظ نموده باشند، احتمالا بیشتر هزینه می‌نمایند؟! اقدامی از روی ناچاری.

مارشال آخره مؤتلف : به نظر من، لازم است تا بیانات ما تصحیح گردد. من نگفتم که ایالات متحده امریکا در حال حاضر قصد دارد جنگ یا منازعه ای را به راه اندازد؛ لیکن وقتی من در امریکا بودم، در آنجا با صراحت یاد آوری نمودم : "من باور ندارم که امریکا می‌خواهد جنگ را آغاز نماید. حرف از جنگ نمی‌رود. اینجا حرف از سیاست و تعمیل فشار مطرح است." ایالات متحده امریکا با استفاده از ابزار نظامی، اقتصادی، ایدئولوژیکی می‌خواهد بالای ما فشار وارد نماید، و در چوکات این فشار نقش بزرگی را نیروی نظامی بازی می‌نماید. پس باید دقیقا از همین زاویه به سیاستی که در حال اجراست، نگرینسته شود. گرچه، من قبلا به شما خاطر نشان ساختم که عناصر زیادی در بطن این موضوع با هم گره خورده اند. شما حق به جانب هستید وقتی می‌گوئید که ما باید از بذل این همه مصارف نظامی هذر نمائیم. در واقعیت، سایر کشور ها، به شمول ایالات متحده امریکا دیگر به این همه هزینه ها نیاز ندارند. پس، باید این همه مصارف کاهش یابد. سوال اینجاست که این کار چگونه عملی شود؟ ابتکارات یک جانبه در این زمینه می‌توانند جا داشته باشند، کار که ما بار ها آنرا انجام داده ایم، لیکن این موارد بیشتر استثنا اند. هرگاه حرف از کاهش بنیادی و همه جانبه مطرح باشد، در این صورت باید حرکت از هر دو جانب صورت گیرد. در این صورت است که ما می‌توانیم به کاهش تشنج نظامی نائل آئیم، فضای اعتماد بیشتر را به میان بیاوریم، و سر انجام این بار گران را از بالای اقتصاد هر دو پیمان دور سازیم.

خبرنگار : ما [اتحاد شوروی] به کدام قوای مسلح که در این برهه زمانی بتواند خطر موجود نظامی را دفع نماید، نیاز داریم؟

مارشال آخره مؤتلف : در اصول، وقتی نظامیان و سیاسیون از نوعیت قوای مسلح یاد می‌کنند، در اینجا سوال از تناسب نیرو های نظامی به میان می‌آید. بالفرض، اگر همین حالا نیروی نظامی هر دو پیمان مقایسه گردد، طوریکه قبلا هم اشاره نمودم : کمیت قوای مسلح ناتو نظر به تعداد به عدد ۶۵۰۰ میلیون نفر می‌رسد.

از آنجائیکه وقت اندک است، من به تشریح انواع و اقسام تسلیحات نمی پردازم. تعداد نظامیان ما در پیمان وارسا به ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تن می رسد. در قاره اروپا، جائیکه قوی ترین قطعات نظامی در برابر یک دیگر قرار دارند، این عدد، از هر دو جانب مقرب به ۳،۶ میلیون نظامی است.

این وضعیت در اواسط دهه هشتاد (قرن بیستم) شکل گرفت و ما همه (ناتو + وارسا) در این کار زار سهیم بوده و ملامتی متوازن خود را داریم؛ در حال حاضر ما در مقابل یک دیگر با این بار عظیمی از تسلیحات در برابر یک دیگر قرار گرفته ایم. ما علاقمند نیستیم این گونه قوای مسلح داشته باشیم.

حالا حرف از آن می رود که این همه قوا باید کاهش یابد. من باور دارم که جانب شوروی تمام امکانات را به کار خواهد انداخت تا این کاهش صورت گیرد، لیکن بخاطر آنکه این پروسه تسریع گردد، پاسخ متوازن را از جانب مقابل (ناتو) به دست نمیاورد.

<https://t.me/JANVITTAG/2435>

د پانوی شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ